

## نگاهی به 'فرهنگ فارسی - دری، دری - فارسی'

منبع: بی بی سی

فارسی - دری، دری - فارسی، فرهنگ دو جانبه ایست که توسط انتشارات "فرهنگ معاصر" در تهران چاپ شده است. "ورژخاچاطوری پارسانیان" گردآورنده این فرهنگ (که استاد دانشگاه در کشور ارمنستان است) در این فرهنگ کوشیده وژگان خاص فارسی ایران و افغانستان را به هم برگردان کند. بخشی از کتاب، اختصاص به ترجمه از فارسی به دری دارد و بخشی برعکس.

انتشار چنین کتابهایی می‌تواند برای ایجاد شناخت بیشتر و گسترش تعامل زبانی میان فارسی‌زبانان مؤثر باشد، ولی در عین حال، قدری کم‌دقتی در عنوان و محتوای کتاب، می‌تواند اینگونه سودمندی‌ها کمرنگ کند و حتی زمینه افتراق میان گویشوران دو لهجه زبان فارسی دری را فراهم آورد، که متأسفانه این فرهنگ با همه فوایدی که دارد، از این عارضه بدور نمانده است. اولین مشکل، در عنوان کتاب است. عنوان موجود چنین می‌رساند که "فارسی" و "دری" دو زبان مستقل‌اند، نه دو نام برای یک زبان.

در پیشگفتار و مقدمه کتاب هم اینمورد بدرستی روشن نشده تصریح نشده است که اینها، دو نام است برای یک زبان. از این که بگذریم، با توجه به اینکه فرهنگ لغت، یک کتاب مرجع است و تألیف آن، دقت و جامعیت بسیاری می‌طلبد. خطایی که در یک فرهنگ رخ می‌دهد، چون مورد استناد قرار می‌گیرد، بسیار زیانبار است. کتاب حاضر متأسفانه هم از لحاظ روش و هم از لحاظ دقت و جامعیت، جای چند و چون بسیار دارد که آنها را فهرست وار برمی‌شمارم. مثالهایی که در پی می‌آید، فقط از سیصد مدخل حرف "س" این فرهنگ (۱۰ صفحه از ۱۵۰ صفحه کتاب) استخراج شده است و همین خود بر تعداد زیاد خطاهای ضبط یا معنی کلمات در کتاب دلالت می‌کند.

### ۱. نادرستی‌ها

مهمترین کاستی کتاب، نادرستی‌های زیادی است که در معنی وژگان رخ داده است. در چنین مواردی، واژه یا غلط معنی شده، یا معادل بهتری داشته که ذکر نشده است:

ساعت‌ساز، ساعت‌فروش: ساعت والا

سالاد: خورش ستون: گادر

سنجاق سینه: لاکت سوپ: شوربا

سوخت: روغنیات، محروق، محروقات

سوخت هواپیما: محروقات طیاره

سوغاتی: سرراهی سربرگ: برگه

سینه‌بند: واسکت سگک: قیتک، کمر گل

شایان گفتن است که در گویش فارسی افغانستان، هرکدام از واژه‌های بالا، اینگونه گفته می‌شود: ساعت ساز: همان ساعت ساز، سالاد: سلانته، ستون: پایه (گادر در افغانستان بمعنی تیر آهن است)، سنجاق سینه: گل سینه (لاکت به معنای گردن‌آویز است)، سوپ همان سوپ است (شوربا که در متون کهن ایران نیز موجود است، بمعنی آبگوشت است، نه سوپ). همچنین، واژه سوخت، در افغانستان همان سوخت است (در برخی مناطق این کشور، به جای مواد سوختی، مواد تسخینی گفته می‌شود) و روغنیات، محروق و محروقات، کاربردهای دیگری دارد. سوغاتی همان سوغاتی است و سرراهی، پول یا هدیه‌ای است که پیش از سفر به مسافر می‌دهند. سینه‌بند که به اشتباه واسکت معنی شده، بیشتر در افغانستان رایج است (در ایران: کرس) و واسکت در افغانستان، به جلیقه گفته می‌شود.

### ۲. اتکا به لهجه عامیانه

این کتاب، یک فرهنگ عامیانه نیست و به همین لحاظ، باید بر مبنای تلفظ رسمی و کتابی کلمات استوار باشد نه تلفظ عامیانه. ولی مؤلف شاید به واسطه ناآشنایی با گویش دو کشور، نتوانسته میان شکل کتابی و عامیانه واژه‌ها تفکیک کند و به همین لحاظ، مثلاً "ساطور" را "ساتول" و «ساعت آب گرم» را "صحت حمام" ترجمه کرده است، در حالی که "ساطور" و "ساتول" یکی است و "ساعت آب گرم" در اصل "صحت آب گرم" است. همین‌گونه است "سات تیری" که به جای "ساعت تیری" و "ازمیل" به جای "ازنبیل" نوشته شده است.

### ۳. اتکا بر گویشهای محلی یا متروک

تعداد صفحات: ۱ از 3

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می‌نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

در موارد بسیار، نویسنده به جای استفاده از کلمه هنجار و رسانه‌ای که در کل کشور شناخته شده است، از واژگان محلی یا متروک استفاده کرده است.

مثلاً "لاکپشت" را که در زبان مکتوب افغانستان "سنگپشت" است، به "سنگبچه" برگردانده که همانند "پشک" به جای "گره" برگرفته از فرهنگ خیابانی است و نه رسمی.

جایی دیگر، "سرکاری" را به جای "دولتی" آورده است! به همین سبب، در این فرهنگ، گاه به واژگانی بسیار غریب و دشوار برمی‌خوریم که شاید کمتر کسی از مردم افغانستان با آنها آشنا باشد:

ستیزه‌جو:	جگار	سخت و دشوار:	چتین
سرازیری:	اوترایی	سبب بزرگ:	خمبه
سخت:	کورکی	سرتختی:	ستره
سقم:	تبق، تبک	سبزینه:	زرغونه
سده:	سدی	سردسته:	سرغنه

### ۳. اتکای زیاد به واژگان غیرفارسی

"فرهنگ فارسی - دری، دری - فارسی" همچنین در بسیاری موارد، واژه‌های پشتو یا فرنگی را به عنوان دری مطرح کرده، در حالی که آن کلمات در دری یا کاربرد ندارد و یا معادل‌های رایج‌تری دارد. البته واژگانی مانند "پنسل" و "بایسکل" در افغانستان تثبیت شده، در این زبان تثبیت شده و جای دارد که در فرهنگ بیاید، ولی در این کتاب بعضی واژگانی را می‌بینیم که در عمل وارد زبان فارسی افغانستان نشده است، مثل "کال" (سال)، "کالنی" (سالانه)، "ستر" (بزرگ) و "سکیم" (نقشه). چنین مواردی، حاکی از ناآشنایی نویسنده، به زبان فارسی دری رایج در افغانستان است.

### - واژه‌های منسوخ

مواردی مانند واژه "پروگرام" که در این فرهنگ، در برابر واژه فارسی "برنامه" آمده است نیز، می‌تواند نشان دهنده روزآمد نبودن اطلاعات نویسنده راجع به تغییرات زبانی در افغانستان باشد، چرا که پروگرام سال‌ها پیش در افغانستان رایج بود، اما اکنون، تقریباً تمام رسانه‌های دولتی و غیردولتی این کشور و مردم عادی، واژه فارسی "برنامه" را بکار می‌برند، همانند واژه‌های فارسی "گزارش، گزارشگر، کارگردان، ورزش و ..."، جایگزین واژه‌های بیگانه "رپور، رپورتر، دایرکتور، سپورت و ..." شده است.

### ۴. کم‌دقتی در مترادفها

در زبان فارسی دری نیز همانند هر زبان دیگر، واژه‌های مترادف وجود دارد. بعضی از این واژگان در هر دو کشور ایران و افغانستان رایج‌اند، ولی با شدت و ضعف. اما این درست نیست که در یک فرهنگ لغت که به واژگان متفاوت دو کشور می‌پردازد، این واژگان مترادف گنجانده شود. در این کتاب، بسیار می‌بینیم که دو کلمه مترادف، یکی با عنوان فارسی و دیگری با عنوان دری مطرح شده است، در حالی که مردم هر دو کشور با هر دو آشنایند:

ستمگر:	ظالم	سرنوشت:	طالع
سلاح:	اسلحه	سرسفید:	پیرزن
سجاده:	جای‌نماز	ساحره:	زن جادوگر
سترون:	نازا	سند:	دستاویز
سان:	طرز	سود:	ربح

حتی فراتر از آن، در جای جای کتاب، واژگانی به چشم می‌خورد که در هر دو طرف کاملاً یکسان است:

درو:	درو	دقیقه:	دقیقه
مرغ:	مرغ	دیوانه:	دیوانه
		غیرت:	غیرت

در مقدمه کتاب یادآوری شده است که اینها، کلماتی‌اند که در نوشتار یکسان ولی در تلفظ متفاوت‌اند. ولی این نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای فهرست

چون با این مبنا باید بیشتر واژگان موجود در زبان دو کشور را فهرست کرد. از این گذشته، هیچ پیدا نیست که میان تلفظ واژه‌های "مرغ" و "غیرت" در ایران و افغانستان بهر استی چه تفاوتی وجود دارد.

اگر فهرست کردن تفاوت تلفظ‌ها ملاک باشد، پس باید برای تلفظ بسیاری شهرهای ایران، حتی تهران مشهد، اصفهان، شیراز، کرمان، یزد و سمنان نیز فرهنگ‌های جداگانه ای نوشت.

### ۵. رعایت نکردن بعضی اصول

علاوه بر اینها، بعضی دیگر اصول فرهنگ‌نویسی هم در این کتاب رعایت نشده است، از جمله شناخت حد و حدود واژگان و ترکیب‌ها و پرهیز از دوبارمکاری در معرفی یک واژه.

مثلاً درین کتاب، در کنار واژگان، بعضی عبارات ها نیز معنی شده است که نمیتواند در راسته کار یک فرهنگ لغت باشد:  
 سراسر جهان: هفت اقلیم      سران دولت: اراکین دولت  
 سرفصل‌های حسابداری: پلان‌شیت      سوار کردن تجهیزات: بسته‌کاری کردن  
 دیگر این که گاهی یک واژه به صورت مستقل معنی شده و بلافاصله در قالب ترکیب اضافی یا فعل مرکب دوباره معرفی شده است:

سطح: سویه      سطح زندگی: سویه زندگی  
 سطح معلومات: سویه معلومات      سعی و کوشش: تپ و تلاش  
 سعی و کوشش کردن: تپ و تلاش کردن  
 سکسکه: هکک      سکسکه کردن: هکک کردن  
 ساکت: چپ، خاموش      ساکت‌شدن: چپ‌شدن  
 سان: کتان      سان سفید: کتان سفید

قاعده دیگر این است که در معنی‌کردن عبارتهایی که یک بخش مشترک و یک بخش متفاوت دارند، می‌بایست فقط بخش متفاوت معنی شود، مگر این که به تنهایی معنایی نداشته باشد.

بنابراین درست نیست که "سال میلادی" را به "سال عیسوی" ترجمه کنیم، بلکه باید فقط "میلادی" را به "عیسوی" برگرداند. (کما اینکه اکنون در رسانه های افغانستان - اگر ملاک باشد - میلادی بسیار بیشتر از عیسوی کاربرد دارد).

#### ۶. عدم جامعیت

در یک فرهنگ لغت، باید همه یا اکثر واژگانی را که در حوزه کار مؤلف می‌گنجد، بتوان یافت. اگر هم محدودیت حجم کتاب مطرح باشد، مؤلف باید دست به گزینش بزند و واژگانی را که بیشتر بر زبان مردم جاری‌اند در اولویت بگذارد. در کتاب حاضر، این اولویت‌بندی دیده نمی‌شود. مثلاً در حرف "س" بخش "فارسی - دری"، کلمه‌ای کم‌کاربرد مانند "سنیه‌نشان" آمده است، ولی کلمات پرکاربردی از این قبیل غایب‌اند: سد، سر خوردن، سرسره، سرشیر، سرنیزه، سفره، سلول، سمسار، سنجاقک، سنگواره و سوسک.

مجموعه این عوامل، سبب شده است که در این کتاب، تصویری ناقص و نادرست از زبان فارسی افغانستان ارائه شود و این، سودمندیهای احتمالی این اثر را کاهش داده است.

البته نباید فراموش کرد که اصل این کار، یعنی تألیف چنین کتابی آن هم توسط فردی غیرفارسی‌زبان، جای تقدیر و ارجمند شدن دارد. هر چند محدودبودن اطلاعات، منابع و ارتباطات مؤلف سبب شده است که با اطمینان کافی نتوان به این اثر تکیه کرد، این کتاب به سبب بعضی از واژگان خاص، قابل اعتنا و استفاده است.

#### شناسنامه کتاب

نام کتاب: فرهنگ فارسی - دری، دری - فارسی  
 (گردآورنده): ورژخاچاطوری پارسادانیان (استاد دانشگاه هراچیا آچاریان ارمنستان)  
 ناشر: نشر فرهنگ معاصر      محل چاپ: تهران  
 شماگان: ۲۰۰۰ نسخه      شمار صفحه‌ها: ۱۷۶ صفحه

